



اطلاعیه

رفیق علی رسولی از میان
ما رخت برپست

ادامه در صفحه ۳

وضعیت زندان و زندانیان در شرایط جدید

معمولاً وقتی از زندانیان در جمهوری اسلامی صحبت می‌شود، بیشتر به زندانیان سیاسی اشاره می‌شود و وضعیت زندان و زندانیان غیر سیاسی از نظر دور می‌گردد.

این یک انحراف ایدئولوژیک و سیاسیست. زیرا زندانیان غیر سیاسی نیز فرزندان شرایط خاص جامعه خود و قربانیان آن شرایط و ساختار اجتماعی‌اند.

همه ما خواهان لغو اعدام هستیم. این خواست، هم زندانیان سیاسی و هم زندانیان غیر سیاسی را در نظر دارد. این امر خوبی‌ست ولی کمتر دیده شده است

ادامه در صفحه ۳



علل رشد فاشیسم در سال‌های اخیر

برای یافتن علل رشد فاشیسم، در درجه اول باید روشن شود که فاشیسم چیست.

اقتصاد فاشیستی، تداخل سرمایه‌های عظیم خصوصی - کنسرن‌های بین‌المللی و ملی - با قدرت دولتی است. لذا دولت به عنوان نماینده کل بورژوازی بزرگ، سمت و سوی کل اقتصاد ملی و بین‌المللی را تعیین می‌کند. ضرورت این تداخل، ایجاد بالاترین تمرکز در اقتصاد و سیاست است تا تهاجم نظامی به خارج با صرف انرژی و اصطکاک کمتری صورت گیرد.

ادامه در صفحه ۵

آیا هوش مصنوعی همه ما را خواهد کشت؟

«افرادی که هوش مصنوعی را توسعه می‌دهند، واقعاً بر این باورند که این فناوری ممکن است تا پایان این دهه همه ما را بکشد.»

این جمله در پستی از جیکوب کوکسون، توسعه‌دهنده سابق هوش مصنوعی در شرکت Anthropic، در شبکه اجتماعی X منتشر شد و با روایت‌های مختلف در رسانه‌های سراسر جهان بازتاب یافت.

ادامه در صفحه ۱۰

تروتسکیسم، ضد انقلاب در خفا ۹

مؤلف: جی. آلجین

مترجم: آمادور نویدی

لنین بطور قطعی می‌گوید:

«توسعه سیاسی و اقتصادی ناموزون، یکی از قوانین مطلق سرمایه‌داری است. [تکید از نویسنده].»

ادامه در صفحه ۱۱

ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران

ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران
بیداری ستاره در چشم جویباران

آینه‌ی نگاهت پیوند صبح و ساحل
لبخند گاه گاهت صبح ستاره باران

تمام شعر در صفحه ۱۲

تنگه هرمز و شرایط جهانی ناشی از آن

برخی رفت و آمدهای کشتی‌های نفت کش و حامل گاز از طریق تنگه هرمز مشاهده می‌شود. در نتیجه تنگه هرمز کاملاً بسته نیست. از ۱ تا ۲ اکتبر حدود سه کشتی از طریق تنگه هرمز وارد خلیج فارس و ۱ کشتی از همین طریق خارج شده است (هرمزنیوز) به گزارش رویترز در طول ماه سپتامبر در هر روز

ادامه در صفحه ۷

مبارزه و آگاهی طبقاتی در فرانسه اوج می‌گیرد

مردم فرانسه مثل همیشه، طبق سنت دیرینه و طبقاتی زحمتکشان، دوباره به پا خاسته‌اند.

ادامه در صفحه ۸

تأثیر روانی جنگ بر مردم

در دنیای طبقاتی جنگ‌ها برای تحکیم و یا گسترش منافع طبقه حاکم با رهبری دولت آن طبقه، توسط نیروی سازمانده شده زحمتکشان آن کشور علیه زحمتکشان کشور دیگر انجام می‌شود. در دوران سرمایه‌داری این روند با شرکت وسیع و اجباری زحمتکشان هر قلمرو سیاسی و با شدت هر چه بیشتر صورت می‌گیرد. در این بیان، جنگ‌ها در دوران سرمایه‌داری



ادامه در صفحه ۹

جنبش کمونیستی و توطئه رادیو فردا

رادیو فردا به عنوان یکی از مدیاهای فارسی زبان امپریالیسم آمریکا، سه سوسیال دمکرات راست ضد شوروی دوره لنین و استالین را گرد هم آورده که در مورد "چپ" اظهار نظر کنند.

رادیو فردا و رادیوهایی از قبیل رادیو زمانه، رادیو فرانسه و رادیو آمریکا برای ایجاد سردرگمی و پراکندگی بیشتر در جنبش کمونیستی ایران هرازگاهی بحث‌های "پرشوری" در مورد چپ و کمونیسم راه می‌اندازند و نتایج از پیش تعیین شده خود را می‌گیرند. بحث کنونی رادیو فردا یکی از آن‌هاست. لذا ما مایل به تحلیل آن هستیم:

گرداننده میزگرد، پیش از صحبت دیگران چنین می‌گوید: «با سقوط اتحاد شوروی، الگوی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در عمل فرو ریخت و چپ در جهان وارد دوره‌ای از بازاندیشی شد؛ دوره‌ای برای بازتعریف اولویت‌ها و تطبیق اندیشه‌های چپ با جهان پس از جنگ سرد».

این بیانات می‌تواند برای انسان‌هایی که درک درستی از کمونیسم ندارند، سردرگمی و آشفته فکری عظیمی به بار آورد. از سقوط اتحاد شوروی صحبت می‌شود. منظور کدام سقوط است؟ روشن نیست. آیا تغییر اسم روسیه سوسیال امپریالیستی در زمان گورباچف است و یا تغییر ماهیت اتحاد شوروی از کشور شوراهای پرولتری به یک کشور رویزیونیستی در زمان خروشچف؟ کدام؟ رادیو فردا این سردرگمی را به وجود می‌آورد تا یک نقطه نظر تاریخاً ارتجاعی

— امپریالیستی را جا بیاندازد؛ «الگوی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در عمل فرو ریخت» انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تا ۱۹۵۳ توانست یک کشور فلاحتی عقب مانده را به کشوری پیشرفته و سوسیالیستی تبدیل کند و در این روند بزرگترین کشورهای امپریالیستی — فاشیستی را درهم بکوبد. اتحاد شوروی در طی این دوران در جنگ‌های متعدد و طولانی ضربات اقتصادی شکننده‌ای را

نیز متحمل شده بود. به ویژه در جنگ جهانی دوم ۲۰ میلیون از نیروی کار اتحاد شوروی و صدها هزار کمونیست بلشویک، در میدان جنگ برای سوسیالیسم جان فدا کرده و بر خاک مانده بودند. کولاک زاده‌ها در دوران جنگ و کشته شدن بلشویک‌ها وارد حزب شده و از پائین حزب بلشویک را به فساد می‌کشاندند. یک کارزار ایدئولوژیک درون حزبی که از پشتیبانی بی دریغ و همه جانبه نیروهای سرمایه‌داری بین‌المللی برخوردار می‌شد، علیه حاکمیت پرولتاریا برپا گردیده بود.

در واقع قدرت پرولتاریا در مقابل یک توطئه همه جانبه ایدئولوژیک — سیاسی — تشکیلاتی — جنائی سرمایه‌داری داخلی و خارجی شکست خورد. این شکست، به لحاظ تاریخی یک شکست کوتاه مدت دولت پرولتری از سرمایه‌داری جهانی‌ست. الگوی انقلاب اکتبر برای آزادی طبقه کارگر جهانی از استثمار و بردگی، برای رهائی محیط زیست از استثمار و تخریب برگشت ناپذیر، همچنان معتبر است. این الگو بر افق تاریخ می‌درخشد.

«الگوی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در عمل فرو ریخت» بدین معناست که آزادی طبقه کارگر در سوسیالیسم ممکن نیست بلکه در سرمایه‌داری ممکن است. آیا چنین است؟ آیا از زمان خروشچف که گام به گام سرمایه‌داری در اتحاد شوروی احیا شد، طبقه کارگر به آزادی رسید و اکنون آزاد است؟ یا این که کلیه دستاوردهای این طبقه علیه استثمار و بردگی از دستش رفته است؟ کدام؟ الگوی مورد قبول این مدیای امپریالیستی — رادیو فردا —، برای «آزادی طبقه کارگر» نظام سرمایه‌داری فاشیستی آمریکا، روسیه، چین، ایران، ترکیه و... است.

ولی به طور واقعی یک الگو فرو ریخته است. ولی این الگوی فرو ریخته، الگوی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ نیست، بلکه الگوی خروشچف است، رویزیونیسم است که در تئوری و عمل فرو ریخته و شکست خورده است. این الگو که با صدای گوش خراش و بوی متعفنش جهان کار را آلوده کرده، نشان می‌دهد که عملاً به بردگی طبقه کارگر می‌انجامد. این الگو در ذهن و

اندیشه طبقه کارگر و جنبش کمونیستی فرو ریخته، شکست خورده و در آن شکل ویژه‌اش به تاریخ پیوسته است.

رادیو فردا پس از ادعای مضحک «الگوی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در عمل فرو ریخت» در ادامه می‌نویسد «چپ در جهان وارد دوره‌ای از بازاندیشی شد؛ دوره‌ای برای بازتعریف اولویت‌ها و تطبیق اندیشه‌های چپ با جهان پس از جنگ سرد».

از نظر رادیو فردا، چون الگوی سوسیالیسم در عمل فرو ریخت، اولویت‌های چپ از تدارک انقلاب سوسیالیستی به فعالیت دیگری در نظام سرمایه‌داری تغییر کرده است. این اولویت‌ها چیستند؟ رادیو فردا می‌گوید: «اما چپ، با تعریف امروزی، قرار است چه باشد؟ جریانی که مدعی استقلال فکری و نافرمانی از قدرت است؛ جریانی که عدالت اجتماعی را در کنار دموکراسی، سکولاریسم، حفاظت از محیط زیست و حقوق مدنی و اجتماعی قرار می‌دهد».

نسخه کامل رادیو فردا و افراد میزگرد این است که باید از سوسیالیسم چشم پوشید و دیگر به آن نیاندیشید، بلکه باید به دموکراسی، سکولاریسم و... در نظام سرمایه‌داری اندیشید و دلخوش بود.

البته این واقعیتی‌ست که اولویت بخشی از چپ از تلاش جهت تدارک انقلاب سوسیالیستی به فعالیت در نظام سرمایه‌داری گرایش پیدا کرده است. این به اصطلاح چپ، نیروهائی از قبیل سازمان چریک‌های اکثریت، حزب چپ و انواع و اقسام سوسیال دمکرات‌های راست و چپ و میانه هستند.

ولی جنبش کمونیستی ایران گول این طرہات نخ نما شده را نخواهد خورد. الگوی انقلاب اکتبر، بیش از پیش الگوی آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جهان است. این الگو چیزی جز سوسیالیسم و دولت دیکتاتوری پرولتاریا نیست. در متن این میزگرد از «چپی که در مقطعی قربانی اقتدارگرایی شوروی شد» صحبت می‌شود. رادیو فردا اقتدارگرایی را به سوسیالیسم نسبت می‌دهد. در حالی که همه دولت‌های جهان اقتدارگرا هستند. دولت اساساً سمبل و ابزار اقتدار یک طبقه است.

اطلاعیه

رفیق علی رسولی از میان ما رخت برپست

مسئله بر سر این است که اقتدار کدام طبقه؛ اقتدار بورژوازی یعنی اقتدار استثمارگر بر استثمار شونده، یعنی سرکوب دائم طبقه کارگر توسط بورژوازی. ولی اقتدار طبقه کارگر - دیکتاتوری پرولتاریا - اقتدار طبقه کارگر بر سرمایه‌داری خون آشام و زالوصفت است. اقتدار ستم دیدگان جامعه علیه ستمگران سابق‌اش می‌باشد. این اقتدار امر خوبی است. کمونیست‌ها و طبقه کارگر بین‌المللی سعی دارند این اقتدار را دوباره در جهان برپا سازند.

نفی این واقعیت یعنی نفی طبقات و مبارزه طبقاتی، خاک پاشیدن به چشم طبقه کارگر است تا راه آزادی واقعی خود را نبیند و همچنان به مبارزات معیشتی در نظام سرمایه‌داری خود را مشغول کند. یعنی جنبش کمونیستی را از وظیفه اساسی‌اش که بردن آگاهی سوسیالیستی در بین طبقه کارگر است، دور و منحرف نماید و به خرده کاری مشغول سازد. رادیو فردا و امثالهم، از تکامل آگاهی طبقاتی طبقه کارگر وحشت بسیار دارند.

در اینجا توضیح یک نکته ضروریست: جنبش کمونیستی در نظام سرمایه‌داری، با تمام نیرو و توان در مبارزات توده‌های مردم جهت تحقق درخواست‌های دموکراتیک آن‌ها شرکت کرده و از آن‌ها پشتیبانی می‌کند.

رادیو فردا می‌گوید، این، یعنی اولویت چپ. از نظر این مدیای امپریالیستی وظیفه چپ در همین جا باید به پایان برسد. این یعنی فرمان ایست تاریخی به طبقه کارگر و فرمان استثمار بیشتر و سرکوب بیشتر این طبقه توسط سرمایه‌داری. ولی جنبش کمونیستی در اینجا ایست نمی‌کند. با شرکت‌اش در جنبش دموکراتیک سعی می‌کند آگاهی سوسیالیستی را در این جنبش‌ها به ویژه در جنبش‌های طبقه کارگر، تکامل دهد، بالا ببرد و مردم را حول انقلاب مسلحانه توده‌ای متشکل سازد. در واقع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، الگوی جنبش کمونیستی این دوران، ولی منطبق با شرایط تاریخی جدید است.

به مبارزه ایدئولوژیک در خدمت وحدت
جنبش کمونیستی ایران دامن زنی

غنوده‌اند و مصمم هستند، با ماسک کمونیسم، جنبش کمونیستی را از درون فاسد و پراکنده کنند. لذا با شیوه استدلالی لنین و سرسختی استالین علیه بورژوازی، قد برافراشت و با قلم توانای خود مصاف پایان ناپذیری را علیه آن‌ها آغاز نمود.

رفیق علی رسولی، این کمونیست مهربان و دوست داشتنی، در عین حال سرسخت و گذشت ناپذیر علیه انحرافات، این انسان پر مطالعه و پر دانش از میان ما رفت. رفتن‌اش ضایعه‌ای برای جنبش کمونیستی ایران است که برای جبران‌ش سال‌ها وقت و تلاش لازم است.

ما از دست دادن رفیق علی رسولی را به خانواده، دوستان و رفقای تسلیت می‌گوییم و برایشان در مبارزه علیه فاشیسم و سرمایه‌داری، سلامتی و موفقیت آرزو می‌کنیم.

وضعیت زندان و زندانیان در شرایط جدید

دیده شده است که نیروهای انقلابی و مترقی به شرایط زندان و شرایط پروسه محاکمه و اعدام زندانیان غیر سیاسی توجه کافی مبذول داشته و رژیم را در این زمینه نیز افشا کرده باشند.

در ایران بر مبنای ادعای سیاستمداران رژیم فاشیستی اسلامی، ۴۹۴ زندان رسمی علنی وجود دارد. «تحقیقات پایگاه داده‌های باز ایران نشان می‌دهد در حال حاضر سازمان زندان‌ها در ایران، مشغول ساخت ۷۰ زندان و ندامتگاه جدید در سراسر کشور است که باید تا سال ۱۴۰۵ به بهره‌برداری برسند... علاوه بر این، دو ردیف کلی با عنوان "احداث ۵۹ ندامتگاه" و "احداث ۱۰۰ بازداشتگاه موقت" در بودجه پیش‌بینی شده که هیچ اطلاعات دقیقی درباره جزئیات آنها در دسترس نیست.» (سایت داده‌های باز ایران - ۲۵ اسفند ۱۴۰۲)

بدین ترتیب بر ۲۶۵ زندان موجود تا سال ۱۴۰۲ حدود ۲۲۹ زندان دیگر اضافه گردیده است؛ به عبارت دیگر در ایران

رفیق علی رسولی در سحرگاه ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۶ با زندگی وداع کرد و تاریخ پر افتخار حیاتش بسته شد. او زندگی‌اش را تمام و کمال در خدمت آزادی طبقه کارگر، کلیه زحمتکشان و نیروهای مترقی جامعه وقف کرد و لحظه‌ای در این راه پر فراز و نشیب، سخت و طولانی از پای ننشست؛ جسم‌اش فرسوده می‌شد، بیماری او را از پای درمی‌آورد ولی راهش را با نیرو و توانی که داشت با سرسختی ادامه می‌داد و در فعالیت از پای نمی‌نشست.

رفیق علی در جوانی به عضویت سازمان انقلابی درآمد و سال‌های طولانی یکی از رهبران راستین و سخنوران پر قدرت این سازمان در خارج از کشور بود.

او پس از یک جدال ایدئولوژیک - سیاسی با برخی از رهبران سازمان انقلابی و به بن‌بست رسیدن این مبارزه، از سازمان جدا شد و همراه برخی از کادرهای جنبش کمونیستی، "سازمان انقلابیون کمونیست"، (پیکار خلق) را بنیان نهاد.

رفیق علی رسولی در مبارزه علیه فساد و انحرافات که توسط خرده بورژوازی کمونیست شده در درون جنبش کمونیستی تراوش می‌کرد، لحظه‌ای از پای نمی‌نشست. او به درستی دریافته بود که تروتسکیسم یکی از انحرافات خطرناک رخنه کرده در این جنبش است. لذا با تمام نیرو علیه آن به مبارزه‌ای همه جانبه برخاست و آثار ارزشمندی، از قبیل "تحریف تروتسکیستی رویدادهای تاریخی"، "سلاح زنگ زده تروتسکیستی" و... از خود برجای گذاشت. او به درستی درک کرده بود که تروتسکیست‌ها به لحاظ ایدئولوژیک، در آغوش فاشیست‌های آلمانی مستقر در آمریکا، جاسوسان دوجانبه آمریکائی - بریتانیائی مثل کنکوچ، سازمان‌های جاسوسی سیای آمریکا و انتلیجنسرویس بریتانیا و کلیه دولت‌های سرمایه‌داری و فاشیستی،

کنونی حداقل ۴۹۴ زندان رسمی وجود دارد که برخی به صورت ندامتگاه معرفی می‌شود. علاوه بر این بسیاری از زندانیان سیاسی و مجرمین، و مجرمینی که می‌توانند بخشی از دوره زندانی خود را در خارج بگذرانند، مجبور به تحمل پابند الکترونیکی هستند.



«رئیس سازمان زندان‌ها با اعلام اینکه در حال حاضر ما پابندهای الکترونیک را توسط شرکت دانش بنیان داخل کشور تولید می‌کنیم و به تولید انبوه رسیده‌ایم، بیان کرد: در سه ماهه اخیر نسبت به گذشته بهره‌مندی از پابندهای الکترونیک به دو برابر رسیده است...» در عین حال او اقرار کرد که «تراکم جمعیت کیفری در زندان‌های کشور در حد مطلوب نیست چون ما با افزایش تراکم جمعیت کیفری مواجه هستیم...» (تجارت نیوز)

پابندهای الکترونیکی، زندانیان و مجرمین خارج از زندان را به حرکت در یک محدوده مشخص مجبور و کنترل می‌کند. این پابند، نیروهای امنیتی را قادر می‌سازد که در هر لحظه مکان مجرم و یا زندانی سیاسی را دقیقاً تشخیص دهند. به بیان دیگر این پابندها که به تولید انبوه نیز رسیده است، کنترل و فشار جسمی و روانی را بر زندانیان افزایش می‌دهد.

حال ما برای درک وضعیت زندانیان در زندان‌های این کشور به یکی از زندان‌ها می‌رویم:

«زندان تهران بزرگ با ظرفیت ۱۵ تا ۱۷ هزار زندانی در ۳۲ کیلومتری جنوب تهران در جاده حسن‌آباد به سمت قم قرار دارد. مساحت این زندان ۱۱۰ هکتار است. زندان دارای ۳۸ سوله است که ۲۶ سوله آن شامل ۳۴ اندرگاه ۳۰۰ نفره است. این زندان از سال ۱۳۹۴ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در قیام سراسری ۹۸ هزاران

تن از بازداشتی‌های این قیام در این زندان محبوس بودند.» (ایران گلوبال ۲۰۲۴/۶/۴) با وجود ۷۰ زندان بزرگ جدید دیگر و در نظر گرفتن گزارش خانم پوران ناظمی فعال سیاسی و زندانی پیشین از شرایط زندان، روشن می‌گردد که تعداد زندانیان بسیار زیادتر از تعداد ۲۴۰ هزار می‌باشد. ایشان می‌گوید: «مجبور بودیم در اتاقی به ابعاد ۲ متر در ۳ متر و در کنار ۶ زندانی دیگر با جرائمی همچون قتل و مواد مخدر روزگار بگذرانیم...» (۳ آبان ۱۴۰۳)، یعنی حداقل ۸ زندانی در سلولی به ابعاد ۲ در ۳ متر.

ایرج مصدقی، زندانی سیاسی پیشین در مورد زندان اوین می‌نویسد: «در هر یک از بندها و اتاق‌ها و سلول‌ها چندین برابر ظرفیت زندانی جای دادند.» (DW- ایرج مصدقی - ۲۵ مهر ۱۴۰۳)

«زندان قزل‌حصار، از بزرگترین زندان‌های خاورمیانه که برای پنج هزار نفر ساخته شده بود اما بیش از ۳۰ هزار نفر در آن محبوس هستند» (رادپو زمانه) «(اقتباس از کمون شماره ۴۱)

در واقع زندانیان بسیاری را در سلولهای کوچک کنار هم فشرده‌اند. برخی سیاستمداران رژیم به وجود ۳۰۰ هزار زندانی اقرار می‌کنند، از جمله غلامحسین اسماعیلی، رئیس وقت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در سال ۱۳۹۰ از وجود ۳۰۰ هزار زندانی می‌گوید و دکتر شریف دماري دبیر علمی سمپوزیوم ادغام مراقبت‌های اجتماعی در سال ۱۳۹۴ آماری مشابه ۳۰۰ هزار زندانی را در گزارش‌های آسیب‌های اجتماعی ذکر کرد. لذا باید تعداد واقعی زندانیان ایران را در حال حاضر بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تخمین زد. زیرا از آن سال تا کنون صدها هزار نفر را در اعتصابات کارگری و غیر کارگری و تظاهرات خیابانی زندانی کرده‌اند.

برخی از اعضای کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس می‌گویند: «که سالانه حدود ۳۰۰ هزار زندانی با محکومیت‌های بسیار کوتاهمدت (یک تا پنج روزه) وارد زندان‌های کشور و سپس آزاد می‌شوند. (Majles.ir) این که وارد می‌شوند درست

است ولی آزاد شدن همه آن‌ها با واقعیت نمی‌خواند.

با شروع حملات اسرائیل به ایران و جنگ آمریکا و ایران، با دستگیری‌های فله‌ای و گروهی معترضین در خیابان‌ها به شدت بر جمعیت زندان‌ها افزوده گشته، در حالی که تعداد زندان‌های ایران از ۱۴۰۴ تا کنون ثابت است. وضعیت زندان‌ها بحرانی‌تر گشته و برای زندانیان مرگ آور گردیده است. گزارشات متعدد از زندان‌های ایران حاکی از آن است که زندانیان دچار کمبود شدید مواد غذایی و دارویی هستند. برق و آب در ساعات متمادی در هر روز قطع می‌گردد و فروشگاه‌های زندان تعطیل گشته است. این در حالی است که زندانبانان رفتار تهاجمی‌تر و وقیحانه‌تری را در پیش گرفته و امنیت زندانیان را شدیداً در خطر قرار داده‌اند. با قطع اینترنت، رابطه هزاران زندانی با خارج قطع گردیده و خانواده‌ها نیز از سرنوشت عزیزان دربندشان بی‌خبرند.

به علت عدم تناسب تعداد زندانی با تعداد زندان‌ها و در نتیجه کمبود جا و به علت تراکم زندانیان در سلول‌های کم ظرفیت، زندانیان مرتباً علنی و مخفیانه در حال جابه جایی و بلا تکلیفی هستند. لذا قوه قضائی در سال ۱۴۰۴ جهت باز کردن جا برای زندانیان سیاسی، هزاران نفر از مجرمانی را که چند سالی در زندان محبوس بودند با عفو معیاری آزاد کرد. بسیاری را نیز با پابند الکترونیکی «آزاد» نمود.

علاوه بر همه این معضلات، جنگ و بمباران زندگی این زندانیان را با خطر مرگ مواجه می‌سازد. زندانبانان در سلول‌ها را قفل می‌کنند و خود پا به فرار می‌گذارند. اگر زندان مورد اصابت بمب واقع شود تعدادی زندانی جانشان را از دست می‌دهند و اگر بمباران نشدند، باید روزهای متوالی با تراکم بالا در سلول‌های کوچک برای بازگشت زندانبانان در انتظار بمانند.

گزارشات زندانبانی که به هر جهت اخیراً آزاد شده‌اند نشان می‌دهد که مسئولین زندان با دستور از بالا و خالی کردن استرس خود، شکنجه، شلاق زدن، تحقیر زندانیان و نگهداری آن‌ها در سلول‌های انفرادی و

قفس‌های تابوت مانند و خفقان عمومی را افزایش داده و تعدادی از زندانیان جانشان را در این روند از دست داده‌اند.

شرایط فیزیکی و معیشتی غیر قابل تحمل زندان یک جانب جنایاتی است که رژیم علیه مردم این کشور مرتکب می‌شود، جانب دیگر شکنجه‌های لاینقطع روحی زندانیان است.

تعداد اعدام‌ها افزایش یافته است. در هر روز زندانی و یا زندانیانی را از سلول‌ها بیرون می‌کشند و در سلولهای انتظار اعدام محبوس می‌کنند. به این ترتیب همه زندانیان به نوعی در انتظار حکم اعدام خودند. این تنش با اجرای حکم اعدام در محوطه زندان به اوج خود می‌رسد و بسیاری از زندانیان را دچار اختلالات روانی می‌کند.

رژیم به این نیز بسنده نکرده است. بلکه از سال ۱۴۰۱ به بعد به ویژه از سال ۱۴۰۴ مجلس اسلامی هدف گذاری سازمان زندان‌ها برای رشد ۵۰ درصدی اشتغال زندانیان تا پایان سال را تأیید کرده است. بعلاوه «اقدام دوم مجلس این بود که کسانی که می‌خواهند در زندان‌ها برای اشتغال زندانیان سرمایه‌گذاری کنند سود حاصل از تولید آن‌ها معاف از مالیات باشد» (رئیس سازمان زندانهای ایران). در نتیجه زندانیان به لحاظ اقتصادی به سرمایه‌داران فروخته شده‌اند. به این جهت علاوه بر تمام معضلات جانکاهی که زندانیان را در خود می‌فشارد، استثمار اقتصادی برده‌وار نیز بر آن اضافه گشته است.

علل رشد فاشیسم در سال‌های اخیر

صورت گیرد.

بر این مبنا فاشیسم به لحاظ اقتصادی فقط می‌تواند در کشورهای امپریالیستی پا به عرصه وجود بگذارد. زیرا فقط در یک کشور امپریالیستی می‌تواند کنسرن‌های غول آسای تولیدی و مالی - صادراتی بین‌المللی شکل گیرد. در فاشیسم نماینده این کنسرن‌ها و نمایندگان دولت یک رهبر

مقتدر سیاسی انتخاب می‌کنند که هم بر دولت و هم بر این کنسرن‌ها مسلط باشد. این شکل اقتصادی سرمایه‌داری امپریالیستی می‌طلبد که قدرت دولتی تا آنجا که ممکن است منسجم و متمرکز باشد. به این جهت در چنین دولت‌هایی حتی دموکراسی بورژوائی نیز رو به خاموشی می‌رود، پارلمان به ابزار قدرت یک فرد تبدیل می‌شود و استبداد فردی ویژگی حاکمیت می‌گردد. مثل دولت موسیلینی، دولت هیتلری و دولت شی جین پینگ، دولت ترامپ، دولت اردوغان، دولت پوتین ...

چنین دولتی همیشه رو به نظامی‌گری دارد و مردم قلمرو سیاسی خود را نژاد برتری می‌داند که باید بر دیگر نژادها که پست هستند، تسلط یابد. لذا چنین دولتی همیشه نژادگرا و متهاجم به حاکمیت ملل دیگر است. چنین شیوه تفکر و عملکردی، باعث می‌شود که بخش عمده‌ای از ثروت ملی صرف نظامی‌گری گردد و از خدمت به مردم خارج شود. از این رو این دولت نژادپرست ناسیونالیست، برای ادامه حاکمیت خود از یک جانب به تشدید فوق‌العاده استثمار طبقه کارگر می‌پردازد و از جانب دیگر سرکوب شدید داخلی را نیز در پیش می‌گیرد.

دولت‌های سرمایه‌داری که هنوز امپریالیستی نیستند و چنین دیدگاه و عملکردی دارند، شبه فاشیستی هستند. حال ما با این مقدمه به علل رشد فاشیسم در سال‌های اخیر می‌پردازیم.

۱- به لحاظ اقتصادی:

سیستم سرمایه‌داری به ویژه مرحله امپریالیستی آن فقط با کسب ابر سود می‌تواند به حیات زالگونه خود ادامه دهد. ولی ثروت جهانی و کسب ابر سود بی انتها نیست، محدودیت دارد. نیروی کار جهانی محدود است؛ بر مبنای گزارش ILO (سازمان بین‌المللی کار) نیروی کار جهانی در سال ۲۰۲۶ حدود ۳٫۷ میلیارد نفر برآورد می‌شود. که از این تعداد ۲٫۱ میلیارد نفر کارگرانی هستند با اشتغال غیر رسمی (۵۸٪ نیروی کار). یعنی در عین شدیدترین استثمار، از هیچ پوشش حمایتی

بیمه‌ای و قانون کار برخوردار نیستند. بیکاران فعال ۱۸۶ میلیون نفر تخمین زده می‌شود و کارگران رسمی بیش از یک میلیارد نفر می‌باشند.

چنانکه ملاحظه می‌شود نیروی کار برای ایجاد ثروت و ابرسود محدود به تقریباً ۳ میلیارد نفر است.

مقدار ثروتی که این نیروی کار در ۲۰۲۵ در شکل تولید ناخالص داخلی جهانی تولید کرده است، ۱۱۸،۰۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. (بانک جهانی) در نتیجه، این ثروت نیز محدود است.

تعداد تظاهرات ثبت و برگزار شده فقط در شهر فرانکفورت		
سال	تجمعات ثبت شده و مجاز	تجمعات برگزار شده
۲۰۲۵	۲۹۰۴	۲۴۹۱
۲۰۲۰	۱۴۶۷	۱۲۰۰
۲۰۱۵	۱۶۱۱	۱۴۰۸
۲۰۰۵	۵۳۹	۴۷۵
۲۰۰۰	۲۵۸	۳۳۷

منبع آمار: سایت Stadt Frankfurt am Main

هر کشور امپریالیستی در تلاش است که به نیروی کار هر چه بیشتری دسترسی پیدا کند و از ثروت اجتماعی که در فوق ذکر گردید سهم بیشتری به دست آورد. به بیان دیگر هر کدام از آن‌ها تلاش می‌کند که بر بازار جهانی حاکمیت خود را تثبیت نماید. این امر ممکن نیست مگر تحت دو فاکتور:

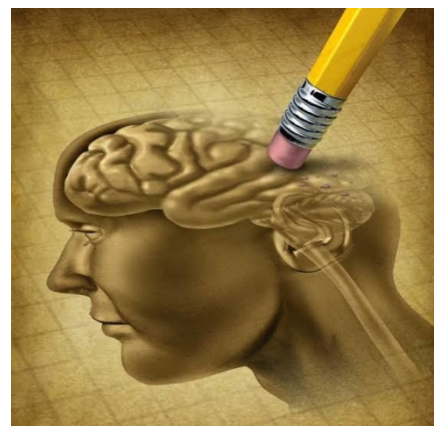
- ۱- داشتن اقتصاد قدرتمندی که بتواند از این طریق بازار امپریالیست‌های دیگر را از دستشان خارج کند. مثل اقتصاد امروزه چین.
- ۲- روی آوری به نظامی‌گری و تهاجم به کشورها و بازارهای دیگر کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی. مثل آمریکا، روسیه حتی ترکیه و هند که به دخالت و

گروه	در جهان
کل نیروی کار	۳٫۷ میلیارد نفر
شاغلان	حدود ۳٫۵ میلیارد نفر
بیکاران	حدود ۱۸۶ میلیون نفر
افراد دارای اشتغال غیررسمی	حدود ۲٫۱ میلیارد نفر
افراد دارای شکاف اشتغال	حدود ۴۰۸ میلیون نفر

تهاجم و اشغال مناطقی از کشورهای دیگر رو می‌آورند.

هر چه بر معضلات اقتصادی (داخلی و خارجی) کشورهای سرمایه‌داری افزوده می‌گردد، نیازشان به پول و سرمایه (ثروت اجتماعی موجود در سطح جهانی) بیشتر و رقابت تشدید می‌شود.

برای پیروزی در این رقابت، مؤسسات تولیدی و مالی بزرگ ملی و بین‌المللی این کشورها با ساختار دولتی ادغام می‌شود، نظام‌گیری و ناشی از آن استبداد فردی به اوج خود می‌رسد، فاشیسم از دل این رقابت‌ها و سرکوب داخلی آرام آرام سربر می‌آورد و قدرت دولتی را در چمبره خود می‌گیرد.



جنگ روسیه با ناتو در اوکراین، ضربات شکننده‌ای به اقتصاد روسیه و اوکراین و کل اقتصاد جهانی وارد کرد و اوضاع آشفته اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری را آشفته‌تر و زندگی زحمتکشان این کشورها را بحرانی‌تر و مصیبت‌بارتر نمود.

تولید ناخالص اوکراین در سال ۲۰۲۲ بیش از ۲۹,۱ درصد کاهش یافت و اقتصاد روسیه در همین سال ۲,۱ درصد فرو نشست. در حالی که هزینه نظامی اوکراین ۱۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ و هزینه نظامی روسیه ۱۴۹ میلیارد دلار برآورد می‌شد.

در این مدت صادرات نفت روسیه به کشورهای اروپایی ۵۱ درصد کاهش یافته است این امر باعث افت صنعت در اروپا و کاهش شدید درآمد روسیه گردیده است. این در حالی است که صادرات نفت روسیه به چین و هند و چند کشور دیگر افزایش یافته است.

این روند تأثیر عمیقی در بحران‌های مالی کشورهای جهان به ویژه کشورهای اروپایی برجا گذاشته است.

امروزه شریان حیاتی نظام امپریالیستی - تنگه هرمز - توسط بورژوازی شبه فاشیستی ایران بسته شده است. باب‌المندب نیز توسط نیروی نیابتی جمهوری اسلامی، حوثی‌ها، سد گردیده است. لذا درون کشورهای سرمایه‌داری به ویژه امپریالیستی آشفتگی‌های عظیم اقتصادی و ناشی از آن فقر و فساد و نارضایتی گسترش‌یافته حاکم است. بورژوازی حاکم در این کشورها قادر نیست به نیازهای مردم جواب دهد. لذا اعتراضات میلیونی و طولانی مدت علیه این دولت‌ها شکل می‌گیرد و پایه‌های آن‌ها را می‌لرزاند.

نیروهای راست متمایل به فاشیسم با استفاده از این شرایط، توده‌های عقب مانده را قانع می‌سازند که اگر به قدرت برسند به نیازهای اقتصادی و سیاسی آن‌ها جواب مثبت خواهند داد. اولین گام آن‌ها در "تغییر مثبت شرایط زندگی داخل کشور" بیرون راندن مهاجران است. نماینده حزب فاشیستی آلترناتیو برای آلمان در یک مصاحبه تلویزیونی گفت که ما کارت شهروندی خارجی‌هایی را که از ۲۰۱۵ شهروند شده‌اند، پس می‌گیریم تا دوباره درباره آن‌ها بیاندیشیم. بسیاری از مردم آلمان نیز با این سیاست توافق دارند. همین سیاست با ویژگی خود در فرانسه جریان دارد، در ایتالیا و انگلستان نیز همین روند را پی می‌گیرند و...

۲- به لحاظ سیاسی:

یکی از زمینه‌های اساسی رشد سیاسی فاشیسم در سال‌های اخیر، چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی، تقابل با طبقه کارگر و جنبش کمونیستی است، زیرا این دو جنبش که هر روز بیش از روز پیش گسترش می‌یابند و منسجم می‌شوند. در سال ۲۰۲۵ میلادی ۳۰۶ میلیون نفر که ۲۶۵ میلیون آن کارگر بودند، دست به اعتصاب و تظاهرات زدند. .. ولی از ژانویه تا آوریل سال ۲۰۲۶ حداقل ۳۶۱ میلیون نفر که ۳۴۶ میلیون آن کارگران‌اند، در اعتصاب و تظاهرات بودند. (آمار از اسناد کنگره ایمدن Emden حزب مارکسیست لنینیست آلمان MLPD) به این تعداد ده‌ها میلیون تظاهر کننده و اعتصابی که به

صورت گروه‌های کوچک از چشم آمارگران جهان پوشیده مانده است، باید اضافه گردد. در این مبارزات خواست‌های سوسیالیستی و شعارهای سوسیالیستی تظاهر روز افزونی داشته است.

سرمایه‌داری به ویژه نیروهای امپریالیستی که از شکل‌گیری مجدد یک یا چند کشور سوسیالیستی وحشت مرگ دارند، خود را تا دندان علیه این جنبش‌ها مسلح می‌کنند، سازمان می‌دهند و متمرکز می‌شوند. لذا سرکوب جنبش کارگری و کمونیستی نقش اساسی در امنیت پشت جبهه کشورهای امپریالیستی‌ای دارد که به بیرون تهاجم می‌کنند. هر چه سرکوب جنبش کارگری و کمونیستی در داخل قلمرو سیاسی، همه جانبه‌تر صورت گیرد، تهاجم به بیرون متمرکزتر و همه جانبه‌تر انجام می‌شود. لذا یکی از تظاهرات عمده فاشیسم گرایش رادیکال ضد کمونیستی و ضد کارگری‌ست که با شدت یابی جنبش‌های اجتماعی، کارگری و کمونیستی، شدت می‌یابد.

ولی در عین حال لازمه تهاجم به بیرون، داشتن یک بهانه قابل قبول است. نیروهای فاشیستی برای تحکیم قدرت سیاسی خود و تهاجم به خارج، ناسیونالیسم و نژادپرستی را در بین توده‌های مردم به ویژه زحمتکشان دامن می‌زنند. مردم تحت قلمرو سیاسی خود را اربابان جهان معرفی می‌کنند که باید بر بخش‌های دیگر بشریت مثل برده‌داران حاکمیت کنند. نژاد ژرمن، نژاد سامی و اول آمریکا تظاهر روشن این واقعیت است.

یکی از ابزارهای هیتلر در کشاندن جنگ به روسیه و آفریقا و بخش‌هایی از اروپا، "برتری نژاد ژرمن - نژاد آریایی" بود که در شکل "آلمان بالاتر از هر چیز" تظاهر عملی می‌یافت و با این ابزار ایدئولوژیک بسیاری را برای منافع بورژوازی آلمان به اقصا نقاط دنیا می‌فرستاد تا دیگران را نابود کنند و خود نیز جانشان را از دست بدهند. امروزه اسرائیل نژادپرستی را در شکل تبلیغ "برتری نژاد سامی بر دیگر نژادها" آشکار می‌سازد و با این ابزار، عقب مانده‌ترین توده‌های اسرائیل را علیه مردم فلسطین و دیگر مردمان عرب بسیج می‌کند و به کشتار آنان می‌فرستد.

سیاست اشغالگرانه ترامپ، باعث گردید که کشورهای اروپائی از ترس "آمریکای متحد و دوست خود" صدها میلیارد دلار هزینه نظامی کنند، سرمایه‌ای که می‌تواند به بسیاری از معضلات اقتصادی و درمانی مردم پاسخ دهد.

ناشی از این سیاست، هند، ترکیه، مالزی و بسیاری از کشورهای دیگر بودجه‌های نظامی خود را افزایش دادند و از بودجه داخلی صنعت، درمان، خانه‌سازی و غیره به شدت کاسته‌اند. دولت این کشورها با گام‌های بلند به نظامی‌گری هراس‌آوری مشغولند. برای مثال پس از ادعای ترامپ در مورد مالکیت آمریکا بر کانادا، بودجه نظامی کانادا ۲۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. اقتصاد نظامی همیشه انسان نظامی و راستگرا را در رأس قدرت می‌کشد و به فاشیسم میدان وسیعی می‌دهد.

در مقابل درماندگی بورژوازی حاکم در کشورهای عمده جهان، بورژوازی فاشیستی چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی به عوامفریبی گسترده‌ای روی آورده است. بخشی از توده‌های ناراضی از حاکمیت نالایق کشور خود، این عوامفریبی و وعده‌های کاذب نیروهای فاشیستی را برای نجات خود قبول می‌کنند و حاضر می‌شوند برای آن تلاش کنند.

فاشیسم در دوران اخیر برای تحمیل توده‌های خرده بورژوازی و طبقه کارگر، علاوه بر حفظ کلیه خصلت‌های گذشته خود، به شیوه تفکر خرده بورژوازی نیز روی آورده است. آن‌ها از اجرای رفرم‌های اجتماعی صحبت می‌کنند، ناسیونالیسم کوتاه نظرانه را تبلیغ می‌کنند، هومانیسم و یگانگی ملی را تحت رهبری خود تبلیغ می‌کنند.

همه این عوامفریبی‌ها در جهت تقویت ایدئولوژی ضد کارگری و ضد کمونیستی آن‌ها صورت می‌گیرد.

یکی از علل رشد فاشیسم در این ابعاد، عدم حضور یک انترناسیونال واقعی مثل انترناسیونال سوم در صحنه بین‌المللی و احزاب کمونیست بلشویکی در چارچوب ملی‌ست. زیرا فقط کمونیست‌ها هستند که می‌توانند به صورت علمی، تاریخی و تحلیل اوضاع مشخص فعلی، این

عوامفریبی‌ها را در هم بشکنند و توده‌ها را برای رهایی و آزادی از بورژوازی بسیج کنند.

تنگه هرمز و شرایط جهانی ناشی از آن

در هر روز ۹,۷ میلیون بشکه نفت خام از مسیر هرمز به خارج حمل شده و در عرض یک هفته ۱۹ نفتکش از تنگه خارج شده است.

ولی این بدان معنا نیست که تنگه هرمز کاملاً باز شده است. بر اساس گزارش هرمز نیوز، صدها کشتی در خارج و داخل خلیج فارس قادر به عبور از تنگه نیستند و در انتظار به سر می‌برند.

جمهوری اسلامی ایران سعی می‌کند به هر ترتیبی که شده گلوگاه‌های رسیدن انرژی به کشورهای غربی را ببندد. در این روند در روز ۱ اکتبر نفت‌کشی را که قصد خروج از طریق تنگه هرمز داشت هدف می‌گیرد و این کشتی دچار آتش سوزی می‌شود.

انرژی آمریکا را به اتهام کمک به حوثی‌ها بازداشت کرده است.

پس از حمله حوثی‌ها به مدینه، عربستان نیز صنعا را مورد حمله شدید موشکی قرار داد و کشورهای عضو پیمان مکه (ترکیه و پاکستان) و امارات عربی حوثی‌ها را محکوم کرده و پشتیبانی خود را از عربستان سعودی اعلام نموده‌اند. در این جریان دولت یمن در روز ۱ اکتبر ۲۰ بار به مواضع حوثی‌ها حمله نظامی کرده که ۱۵۰ هزار نفر آواره و سرگردان شده‌اند. آخرین تهاجم حوثی‌ها به عربستان سعودی ۱۴ کشته برجای گذاشته و باعث لغو سفر برخی سران کنسرن‌های نفتی به عربستان جهت شرکت در کنفرانس بین‌المللی انرژی گشته است.

شرکت‌های نفتی و تسلیحاتی نیروهای هستند که از قبل بحران تنگه هرمز و باب‌المندب و بالا رفتن قیمت نفت و گاز به سودهای افسانه‌ای دست می‌یابند.

این آمارها نشان می‌دهند که یکی از عواملی که جلوی آتش‌بس و صلح را می‌گیرد و در این جریان اخلاص می‌کند، همین شرکت‌های تسلیحاتی و نفتی هستند

سود شرکت‌های تسلیحاتی و نفتی بین‌المللی در سه ماه دوم سال ۲۰۲۶		
شرکت	حوزه	آخرین سود گزارش شده
Saudi Aramco	نفت	۳۲.۴ میلیارد دلار سود خالص
ExxonMobil	نفت	۱۴.۵ میلیارد دلار
Chevron	نفت	۱۲.۱ میلیارد دلار
Shell	نفت	۱۰.۸ میلیارد دلار سود خالص؛ ۹.۸ میلیارد دلار adjusted
TotalEnergies	نفت	۵.۴ میلیارد دلار سود خالص؛ ۶.۰ میلیارد دلار adjusted
BP	نفت	۳.۹ میلیارد دلار سود خالص؛ ۵.۷ میلیارد دلار underlying
RTX	تسلیحات/هوافضا	۲.۱۴ میلیارد دلار سود خالص
Lockheed Martin	تسلیحات	۱.۸ میلیارد دلار سود خالص
Northrop Grumman	تسلیحات	۱.۱ میلیارد دلار سود خالص
General Dynamics	تسلیحات/هوافضا	حدود ۱.۵ میلیارد دلار سود عملیاتی
BAE Systems	تسلیحات	۱.۷۰۱ میلیارد پوند EBIT تعدیل‌شده در نیمه اول

که بر دولت‌های آمریکا، اروپا و ایران تسلط کامل دارند. بخشی از این شرکت‌ها آمریکائی هستند و جزو طرفداران ترامپ می‌باشند و به ترامپ منافع عظیم مادی می‌رسانند. از جانب دیگر ترامپ در نفت و گاز سهام دارد. گران شدن این مواد سودهای زیادی نصیب او می‌کند. بر مبنای داده‌های هوش مصنوعی دونالد ترامپ ۱۵,۵ میلیون دلار فقط ارزش افزوده سهام نفتی داشته است. در سال ۲۰۲۶ این ارزش ۳۹٪ افزایش نشان می‌دهد. کشورهای گروه هفت جهت جلوگیری از

حوثی‌ها با حمله به مدینه تلاش دارند عربستان سعودی را در درون خودش مشغول کنند. این گروه که پشتیبانی ایران را نیز دارد تلاش می‌کند بر تعز تسلط یابد و از این طریق نفوذ خود را در المخا گسترش دهند و از این طریق شهر عدن را کاملاً زیر سلطه خود درآورد. آن‌ها در ۴ اکتبر توانستند رابطه تعز با عدن را قطع کنند. این، برای حوثی‌ها و جمهوری اسلامی دستاورد پراهمیتی‌ست.

ضعف سیستم امپریالیستی به جایی رسیده که دولت آمریکا یک مهندس وزارت

مبارزه و آگاهی طبقاتی در فرانسه اوج میگیرد

به پا خاسته‌اند. اگر چه مبارزه‌ای که از اواسط سپتامبر ۲۰۲۶ آغاز گشته است، در شکل مبارزه دانش‌آموزی تظاهر یافته است ولی ریشه در کاهش دستمزدها، افزایش نظام‌گیری دولت بورژوازی، و تشدید سرکوب سیاسی - نظامی اکثریت مردم ستمدیده دارد.

سال	GDP فرانسه، میلیارد €	رشد واقعی GDP
۲۰۲۰	۲,۳۱۸,۳	-۷,۴٪
۲۰۲۱	۲,۵۰۸,۱	+۶,۹٪
۲۰۲۲	۲,۶۵۴,۰	+۲,۷٪
۲۰۲۳	۲,۸۳۳,۸	+۱,۶٪
۲۰۲۴	۲,۹۳۵,۲	+۱,۵٪
۲۰۲۵	۲,۹۹۱,۱	+۰,۸٪

جدول شماره ۱
اگر به تولید ناخالص داخلی فرانسه توجه کنیم درمی‌یابیم که به علت سیاست‌های مخرب اقتصادی دولت از سال ۲۰۲۰ تا کنون سیر نزولی داشته است. (جدول شماره ۱)

مهمترین علل فروکش تولید ناخالص داخلی، بحران انرژی ناشی از جنگ ناتو و روسیه در اوکراین، عدم ثبات امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری، فروکش مصرف خانواده به طور عمومی ناشی از عدم امنیت اقتصادی، نرخ بالای بهره بانکی و شرایط سخت سرمایه‌گذاری و عدم امنیت سیاسی‌ست.

سال	بودجه دفاعی فرانسه	نسبت به سال قبل
۲۰۲۱	حدود ۳۹,۲ میلیارد €	+۴,۵٪
۲۰۲۲	حدود ۴۰,۹ میلیارد €	+۴,۳٪
۲۰۲۳	حدود ۴۳,۹ میلیارد €	+۷,۳٪
۲۰۲۴	۴۷,۲ میلیارد €	+۷,۵٪
۲۰۲۵	۵۰,۵ میلیارد €	+۷,۰٪
۲۰۲۶	۵۷,۱ میلیارد €	+۱۳,۳٪

جدول شماره ۲
بر خلاف فروکش تولید ناخالص داخلی، بودجه دفاعی به طور انفجاری افزایش یافته است. جدول شماره ۲ به روشنی این مدعا را مستند می‌سازد. علاوه بر آن دولت فرانسه افزایش ۳۶ میلیارد یورویی بورجه نظامی سال آینده را در نظر دارد و

برجای می‌گذارد ولی با وجدانی آسوده دست به این جنایت آگاهانه می‌زند. او در ۶ آوریل ۲۰۲۶ در یک نشست خبری گفت: ایرانیان حاضرند برای آزادی "رنج بکشند" ... مردم ایران از آمریکا خواسته‌اند حملات را ادامه دهد.

با تداوم جنگ، دولت ایران مسأله هسته‌ای را به طور کامل از میز مذاکرات برداشته و راه نماینده انرژی هسته‌ای بین‌المللی را به تأسیسات هسته‌ای ایران سد کرده است.

با این حال ترامپ در حال تقویت نیروهای نظامی‌اش در اطراف خلیج فارس است. جروزالم پست می‌نویسد: «دونالد ترامپ تصمیم گرفته ناو هواپیمابر "یواس اس تئودور روزولت کند"، به نظر می‌رسد این یک اقدام تبلیغاتی بسیار پر هزینه جهت فریب مردم آمریکا در انتخابات میان دوره‌ای ماه نوامبر می‌باشد.

ادامه جنگ آمریکا با ایران، کاهش انرژی و تشدید تضاد بین دولت‌های اروپائی، کشورهایی از این قاره را که در جنگ با ایران مخفیانه به آمریکا یاری می‌رسانند، برملا کرده است.

بر مبنای نوشته رضا ثابتی، روزنامه نگار، آمریکا از پایگاه‌های خود در این کشورها برای حمله به ایران و یا تدارکات در این مورد استفاده می‌کند: پایگاه فرفورد در بریتانیا، پایگاه لاژس در جزایر آزور در پرتغال، پایگاه‌های ایستر و آور در فرانسه، پایگاه‌های مورو و روتا در اسپانیا، پایگاه‌های رامشتاین و اشپانگدالم در آلمان.

به این ترتیب روشن می‌شود که نه تنها آمریکا و ایران و اسرائیل در کشتار و به خاک و خون کشیدن مردم ایران و منطقه دست دارند بلکه برخی کشورهای اروپائی نیز در این جنایت سهیم هستند.

مبارزه متشکل علیه سرمایه داری داخلی، که نیروی جمع را در هر شرکت کننده مبارزی متمرکز می‌سازد، اراده را برای تغییر مثبت تقویت میکند، مشکلات فردی را عقب می‌راند و سرنوشت جمع را به جای آن مینشانند و دروان را آرامش می‌بخشد

افزایش قیمت انرژی، ۱۰۰ میلیون بشکه از ذخائر نفت و گاز خود را آزاد کرده‌اند. اکنون ترامپ در صحنه سیاسی با مشکلات پیچیده‌ای بر زمینه جنگ با ایران و تنگه هرمز دست به گریبان است. دوره انتخابات میان‌دوره‌ای نزدیک می‌شود و دولت ترامپ هیچ برگ برنده‌ای در جنگ با ایران ندارد. از جانب دیگر افزایش قیمت انرژی در آمریکا سرسام آور است و مردم از این مورد و بسیاری موارد دیگر به شدت ناراضی هستند.

دولت ترامپ در این موارد فقط می‌توانند به مردم دروغ بگویند و وعده سر خرم بدهد: ایران در حال تسلیم شدن است، پس از انتخابات پیروزی سریع حتمی است، من اطمینان دارم که کار ایران خیلی زود تمام خواهد شد و قیمت انرژی با سرعت پائین خواهد آمد، راستش را بخواهید نمی‌دانیم با چه کسی باید مذاکره کنیم. هیچ کس نمی‌خواهد رئیس جمهور باشد.

این‌ها سخنان یک فاشیست شاید است که می‌خواهد سر مردم آمریکا شیر بهمالد و مرتب وعده سرخرمن می‌دهد.

یکی از وقایع مهم این روزها، آزاد شدن ۶ راه ترانزیت در درون پاکستان توسط پارلمان این کشور برای حملو نقل کالا است. این امر بخش مهمی از تأثیر محاصره دریائی آمریکا علیه ایران را از بین برده است. بسیاری از کالاهای چینی، روسی و هندی از این راه ترانزیت وارد ایران و کالاهای ایران از این راه به بسیاری از کشورها حمل می‌شود.

در نتیجه مفری نه تعیین کننده ولی حیاتی برای ایران ایجاد گشته است.

این در حالی است که آمریکا خروج نهائی خود از عراق را اعلام نموده است. این امر برگ تبلیغاتی پر جنجالی را به دست دولت ایران داده است: آمریکا را از عراق اخراج کردند.

دولت آمریکا که چشم انداز مثبتی برای خود در این جنگ نمی‌بیند، به تحریم‌های شدیدتر اقتصادی روی آورده و تلاش می‌کند از این راه به موفقیت‌هایی در مذاکره با ایران دست یابد. ترامپ می‌داند که تحریم‌ها مستقیماً تأثیرات کشنده‌ای بر معیشت و زندگی و سلامت مردم ایران

میخواهد تا سال ۲۰۳۰ این بودجه را تا ۷۶,۳ میلیارد یورو افزایش دهد.

سال	کسری بودجه میلیارد €	کسری به عنوان % GDP
۲۰۲۲	۱۲۵,۹-	۴,۷%
۲۰۲۳	۱۵۱,۹-	۵,۴%
۲۰۲۴	۱۶۹,۱-	۵,۸%
۲۰۲۵	۱۵۲,۵-	۵,۱%

جدول شماره ۳

این معضل اقتصادی و گرایش نظامی‌گری در اقتصاد باعث گردیده که بودجه عمومی فرانسه از سال ۲۰۲۲ با کسری فزاینده‌ای رو به رو گردد. جدول شماره ۳ کسر بودجه فرانسه را آنچنان نشان می‌دهد که دولت فرانسه گزارش کرده است. بدین ترتیب روشن میشود که جنبش اخیر دانش‌آموزی همانند جنبش کارگری ۲۰۲۵ ریشه‌های اقتصادی - سیاسی عمیقی دارد و فقط یک جنبش دانش‌آموزی گذرا نیست. ناشی از این نارسائی‌های اقتصادی، بودجه زمینه‌های عمومی رفاهی، معیشتی، آموزشی، کاهش یافته و نارضایتی گسترده‌ای در جامعه ایجاد کرده است.



در اواسط سپتامبر، دانش‌آموزان مدرسه‌ای در حومه پاریس به جمعیت بالای دانش‌آموزان در کلاس‌ها، کمبود معلم و کلاس‌های دبستان، طولانی بودن ساعات تدریس، فرسودگی مدرسه و نامساعد بودن فضای فیزیکی کلاس‌ها و... اعتراض کردند و تظاهرات آغاز شد.

این اعتراضات به علت نارضایتی عمومی از سیاست‌های عمومی دولت، با سرعت گسترش یافت و کل فرانسه را در بر گرفت به طوری که معلمان و اتحادیه معلمان، خانواده‌های دانش‌آموزان و دانشجویان و بخشی از طبقه کارگران نیز پس از اعلام همبستگی با دانش‌آموزان، وارد مبارزه شدند و این مبارزه اکنون به گستردگی قلمرو سیاسی فرانسه در جریان است. نیروهای نظامی فرانسه همانند نیروهای نظامی همه کشورهای سرمایه‌داری،

توحش خارق‌العاده‌ای برای سرکوب این مبارزات از خود نشان می‌دهند.

بر مبنای گزارش رسمی وزارت کشور فرانسه ۶۱۰۰ نفر تا ۶ سپتامبر بازداشت شده‌اند که اکثر آن‌ها زیر سن قانونی هستند. تعداد کشته شدگان در این درگیری‌ها در هیچ گزارش رسمی دولتی قید نگشته است. ولی گزارش‌های غیر رسمی از بیش از ۲۰۰۰ کشته و زخمی آمار می‌دهد.

اعتراضات اخیر دانش‌آموزی و دانشجویی فرانسه که با پشتیبانی بی دریغ طبقه کارگر این کشور همراه است، نشانه‌ای است از ادامه بحران اقتصادی - اجتماعی این کشور و نشانه‌ایست از آغاز اوج نوین مبارزات طبقه کارگر و اقشار ناراضی در کلیه کشورهای اروپائی. اکنون مبارزات دانش‌آموزی - دانشجویی به دیگر کشورهای همسایه فرانسه نیز نشت کرده است. در روز ۶ اکتبر پلیس بلژیک ۱۰ دانش‌آموز معترض را بازداشت کرد.

در چنین شرایطی است که می‌توان به عمق مواضع مرتجعانه رهبران بورژوازی این کشورها پی برد. دولت فرانسه، در انسانی این مبارزات، موشک بالستیک قاره‌پیمای خود را که قادر به حمل کلاهک اتمی نیز هست، آزمایش کرد و آقای ماکرون نیز در این آزمایش حضور داشت.

او بدون در نظر گرفتن بحران و آشفتگی اقتصادی - سیاسی درون کشورش، پشتیبانی بی دریغ خود از دولت اوکراین را نیز اعلام نمود.

افاضات رزیلانه - فاشیستی و یا هجویات یک احمق نادان به نام آقای ترامپ نیز واقعا قابل توجه است.

«ترامپ در اکتبر ۲۰۲۶، در مطلبی که در شبکه اجتماعی خود، «تروث سوشال»، درباره ناآرامی‌های سراسری در مدارس فرانسه منتشر کرد، عیناً چنین نوشت: «آنچه در فرانسه در حال وقوع است، چیزی کمتر از مهاجرت گسترده و خارج از کنترل نیست.

مسئله در اینجا مدارس نیست؛ مسئله این است که اسلام می‌خواهد کشوری را که زمانی بزرگ و پرافتخار بود، به تصرف خود درآورد!» (ترجمه از لموند)

مبارزات کنونی در فرانسه نشان اوجگیری مجدد مبارزات اقتصادی - سیاسی کلیه اقشار ناراضی کشورهای اروپائی، به محوریت طبقه کارگر است. ما از این مبارزات پشتیبانی می‌کنیم و آن را بخشی از تدارک طولانی مدت مبارزات انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان برای سوسیالیسم ارزیابی می‌نمائیم.

تأثیر روانی جنگ بر مردم

دوران سرمایه‌داری اساساً جهت گسترش بازار تحت کنترل بورژوازی متهاجم و کسب سود بیشتر از ثروت جهانی و در عین حال علیه زحمتکشان کشور مورد تهاجم و برای پراکنده کردن و نابودی آن‌ها برپا می‌شود. از صبح ۹ اسفند «تا بمباداد ۱۹ فروردین امسال، بیش از ۱۳۵ هزار واحد مسکونی و تجاری متعلق به مردم غیرنظامی در حملات هوایی تخریب شد.» (فرارو)

لذا آغاز هر جنگی یعنی آغاز نابودی انسان‌ها، تخریب سرپناه زحمتکشان و نیروهای تولیدی، نابودی زیر ساخت‌ها و گسترش فقر و بی پناهی و درماندگی، گسترش بیماری‌های هولناک جسمی و روانی، تخریب کامل سیستم درمانی آن کشور و در عین حال وارد آوردن ضرباتی به قدرت سیاسی کشور مورد تهاجم.

در آغاز هر جنگی با انفجار هر بمبی، مردم با وحشت فریاد می‌کشند، فرار می‌کنند، چاره می‌جویند. اگر جنبش کمونیستی قدرتمندی در جامعه حضور داشته باشد، مردم را برای نجات از جنگ به مبارزه علیه کلیه نیروهای جنگ طلب - چه داخلی و چه خارجی - می‌کشاند، نیروهای مردمی (زحمتکشان و به ویژه کارگران) را متحد می‌کند و گذشته از ایجاد محافظت جمعی، روحیه بالای مقاومت و تهاجم را در آنها به وجود می‌آورد. ولی در شرایطی که چنین حزبی وجود نداشته باشد، - که در ایران ندارد - مردم با پیشرفت جنگ پراکنده‌تر، تنهاتر، فقیرتر، گرسنه‌تر و ضربه‌پذیرتر می‌شوند.

اگر در آغاز جنگ، فریاد و فرار تنها راه چاره به حساب می‌آید ولی با گسترش جنگ، فریاد و فرار درونی می‌شود، انسان‌ها در درون خود فریاد می‌زنند و به زوایای تاریک درون خود می‌خزند و اشک می‌ریزند. محکوم بودن در تحمل این شرایط غیر قابل تحمل، فشارهای روانی همه جانبه‌ای بر مردم وارد می‌کند و بیماری‌های روانی عمیقی به وجود می‌آورد که جبران آن اگر غیر ممکن نباشد، بسیار طولانی مدت و دیرپاست.

آمارهایی در جنگ آمریکا و ایران	
اختلال	نسبت به جمعیت جنگ زده
افسردگی	۲۸٫۹٪
اضطراب	۳۰٫۷٪
علائم PTSD	۲۳٫۵٪
National Library of Medicine	

در روند جنگ، عزیزان مردم در جلوی چشمانشان تکه تکه می‌شوند ولی آن‌ها باید فرار کنند چون بمب بعدی بر سر خودشان فرود خواهد آمد. هراس و خشم دائم می‌تواند هر انسانی را در خود مچاله کند، افسردگی دائم و خشم افسار گسیخته و کور در او به وجود آورد. در واقع این افراد دچار PTSD شدید می‌شوند (PTSD نوعی اختلال روانی بر اثر حادثه تروماتیک)



در عین حال احساس درماندگی و لاعلاجی می‌تواند به تسلیم و سرخوردگی از خود منجر گردد که نتایج اجتماعی مخرب دیرپایی دارد. این به ویژه در کودکان به صورت سکوت دائم، بی حرکتی و نگاه مات به اطراف، فریادهای در حین خواب و گریه‌های طولانی ظاهر می‌شود.

لذا جنگ باعث پراکندگی گسترده مردم می‌گردد، درون‌گرایی را تقویت می‌کند، روحیه محافظت از خود و عزیزان خود، جای همبستگی و اتحاد اجتماعی علیه فاشیسم داخلی را می‌گیرد و تضاد منافع را در بین مردم تشدید می‌کند. زیرا خشونت شدید، گسترده و طولانی مدتی که در نتیجه تهاجم خارجی بر مردم وارد می‌شود، باید راه خروجی بیابد. این خشونت به اطراف نشت می‌یابد و در کل جامعه گسترده می‌گردد. در جامعه مردسالار ایران، این خشونت گسترده به خانواده‌ها راه می‌یابد و زنان را تحت خشونت مرد از پای درمی‌آورد.

در زمان جنگ، فشار روانی بر زنانی که سرپرست خانواده هستند، به شدت افزایش می‌یابد. با تخریب زیر ساخت‌ها در درجه اول زنان سرپرست، منبع معیشت خانواده را از دست می‌دهند، با محدودیت اجتماعی زنان در جامعه مرد سالار مذهبی، امکان فراهم آوردن مواد غذایی مشکل می‌گردد و ضربات جنگ، سرپرست کار از دست داده خانواده را از پای درمی‌آورد.

استرس، خشم ناشی از شرایط، عدم امکان تغذیه خانواده و مشکلات خانوادگی ناشی از جنگ، زخم‌های عمیق روحی در چنین زنانی برجای می‌گذارد که تأثیر آن می‌تواند نسل‌ها در جامعه باقی بماند.

اساساً تهاجم خارجی باعث در سایه قرار گرفتن مبارزات طبقات و داخلی مردم کشور مورد تهاجم علیه رژیم ستمگر داخلی می‌شود. دقیقاً تحت چنین شناختی است که سعید لیلانز اصلاح طلب در گفت و گویی با یورونیوز در ۳ ژانویه ۲۰۲۶ می‌گوید: «جنگ را شروع کنیم تا اعتراضات متوقف شود.»

در جریان تهاجم آمریکا به ایران، اعدام‌ها افزایش یافته، زندان‌ها بیش از ظرفیت مملو گردیده و امنیت اجتماعی توسط رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی به طور کامل پایمال شده است.

در چنین شرایطی ست که اکثریت مردم این کشور به نوعی دچار استرس و اختلالات روانی هستند. همه در ناامنی اجتماعی، هراس از فرود آمدن بمب‌های مرگبار،

گرانی و عدم دسترسی به مواد غذایی، به سر می‌برند.

روان‌پزشکان برای تخفیف این نارسائی‌ها و مشکلات روانی، راهکارهایی ارائه می‌دهند. این راهکارها می‌تواند در مورد فرد به طور لحظه‌ای و کوتاه مدت مؤثر باشد ولی همه مردم ایران نمی‌توانند به روان‌پزشک مراجعه کنند و راه حل واقعی و قطعی از بین بردن این مشکلات نیز معالجه فردی نیست. باید ریشه این مشکلات را از زمین مبارزه طبقاتی بیرون کشید و خشک کرد.

اکثریت مردم ایران به ویژه زحمتکشان برای زنده ماندن و از گرسنگی و بی درمانی نمردن باید مبارزه کنند. در نتیجه تحت هر شرایطی در ایران مبارزه ادامه خواهد داشت و این مبارزه در هر زمینه‌ای که باشد، زیرساخت مبارزه علیه استثمار، جنگ، فاشیسم و سرمایه‌داری ست.

آیا هوش مصنوعی همه ما را خواهد کشت

بازتاب یافت.

اما آیا واقعاً باید از «خود هوش مصنوعی» بترسیم؟

یک سیستم هوش مصنوعی منافع و اهداف مستقلی از خود ندارد. این سیستم را انسان‌ها طراحی می‌کنند، آموزش می‌دهند و به کار می‌گیرند. در نظامی اجتماعی که بر رقابت و کشمکش، حتی تا مرز جنگ‌های ویرانگر و نابودکننده در سطح بین‌المللی، استوار است، سیستم هوش مصنوعی نیز «می‌آموزد» که برای اجرای دستورات کاربر، «بی‌رحمانه» از تمام ابزارهایی که در اختیار دارد استفاده کند.

«روحي که از بطري بيرون آمده است»

اکنون برخی از توسعه‌دهندگان برجسته هوش مصنوعی به این نتیجه رسیده‌اند که گویی «روحي را از بطري بيرون آورده‌اند»؛ روحي که ديگر قادر به کنترل آن نیستند.

تروتسکیسم، ضد انقلاب در خفا ۱۰

اما مسئله این نیست که سیستم‌های هوش مصنوعی صاحب اراده‌ای مستقل و ویژه خود شده‌اند. مسئله عمیق‌تر است.

نیروهای مولد و انقلابی نوین، بیش از پیش با نظام فرسوده امپریالیستی مبتنی بر سود و رقابت در تضاد قرار می‌گیرند؛ نظامی که به مرزهای تاریخی خود نزدیک شده است.

مشکل واقعی کجاست؟

تصویر یک سیستم فنی که ناگهان «شروع» و خطرناک شود، می‌تواند توجه‌ها را از مسئله اصلی منحرف کند. قدرت‌های امپریالیستی از مدت‌ها پیش به اندازه‌ای سلاح هسته‌ای در اختیار دارند که قادرند تمام بشریت را نابود کنند. هم‌زمان، فاجعه زیست‌محیطی جهانی نیز با سرعتی فزاینده در حال گسترش است.

بنابراین، نه وحشت‌زدگی با این تصور که «بشریت باید خود را از دست هوش مصنوعی نجات دهد» راحل است و نه امید سادملوحانه به اینکه «هوش مصنوعی» سرانجام بشریت را نجات خواهد داد.

هر دو دیدگاه، از درک مسئله واقعی فاصله دارند.

فناوری در خدمت چه کسی؟

کارگران و توده‌های مردم در سراسر جهان باید از همین امروز بیاموزند که چگونه امکانات و ظرفیت‌های فنی جدید را در خدمت اهداف خود به کار گیرند.

این موضوع همچنین عرصه‌ای برای همکاری و ایجاد اتحاد با متخصصان و نیروهای فنی و علمی جامعه است.

در نهایت، باید به‌صورت سازمان‌یافته برای آن تلاش کرد که کنترل و اختیار این نیروی مولد اجتماعی از دست منافع سودجویانه انحصارات بین‌المللی خارج شود.

مسئله اساسی فقط این نیست که هوش مصنوعی چه توانایی‌هایی خواهد داشت؛ مسئله این است که چه کسانی این توانایی‌ها را در اختیار خواهند داشت و در خدمت چه منافعی از آنها استفاده خواهند کرد.

اقتباس از: Rote Fahne News- MLPD

شکست می‌خورید؛ منتظر بمانید تا دیگر کشورها انقلاب را شروع کنند؛ و اگر انقلاب در جاهای دیگر نباشد، شما محکوم به فنا هستید» - و این بمثابه انکار هر امکان انقلابی‌ست

این در زمانی بود که اولین انقلاب روسیه (۱۹۰۵-۶) هنوز تمام نشده بود، اگرچه به روشنی در حال شکست بود؛ زمانی که بلشویک‌ها با لنین با کوشش زیاد هر تلاشی می‌کردند که سازمان‌های کارگران را که زیر ضربات فزاینده ارتجاع بودند زنده نگه دارند؛ زمانی که بلشویک‌ها نهایت سعی خودشان را می‌کردند تا درک کنند که چه اتفاقی می‌افتد، نیروهای انقلاب را تجزیه و تحلیل کنند، و دلایل شکست نیروهای انقلاب را درک کنند و از آن جایی که انقلاب به اهداف خود نرسیده بود، توده‌ها را برای نبردهای انقلابی جدید آماده سازند که اجتناب ناپذیر بود- در آن مقطع بود که تروتسکی با برآورد زیر ظاهر شد: «ما نمی‌توانیم برای لحظه‌ای شک کنیم، که بدون حمایت مستقیم پرولتاریای کشورهای اروپایی، طبقه کارگر روسیه نمی‌تواند خودش را در قدرت حفظ کند و حکومت موقت را به دیکتاتوری سوسیالیستی پایدار منتقل کند.» (لئون تروتسکی، انقلاب ما، نسخه روسی، ۱۹۰۶، ص. ۲۷۸).

تروتسکی در این بیانیه خود چه می‌گوید؟ تروتسکی به کارگران می‌گوید که حتی اگر بر حسب شرایط موقعیت آن‌ها خودشان قدرت دولتی را بدست بگیرند، قادر نیستند که قدرت را حفظ کنند. تروتسکی ادعا می‌کند، که کارگران نیازمند حمایت پرولتاریای کشورهای اروپایی هستند، برای مثال، حمایت پرولتاریای اروپایی که قدرت دولتی را در دست دارند. در نبود چنین حمایتی، یک انقلاب موفق در روسیه غیرممکن است - و این برای کارگران روسیه بی‌فایده است که تلاش کنند قدرت را تصرف کنند. تروتسکی هنوز به منشویک‌هایی که

ماهیت امپریالیستی سرمایه‌داری امروزی بی‌توجه اند، و به نظریه فرسوده‌ای چسبیده است که جنبش انقلابی پرولتری باید در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری، قدرتمندترین باشد. تروتسکی، همراه با

[تأکید از نویسنده] بنابراین، امکان دارد که پیروزی سوسیالیسم ابتدا در چند و یا حتی تنها در یک کشور سرمایه‌داری بطور جداگانه اتفاق بیفتد. پرولتاریای پیروزمند آن کشور، پس از مصادره سرمایه‌ها و سازماندهی تولید سوسیالیستی خود، علیه بقیه جهان سرمایه‌داری قیام می‌کند، طبقات تحت ستم کشورهای دیگر را بخود جلب می‌کند، و در میان آنها شورش علیه سرمایه‌داری را افزایش می‌دهد؛ و در صورتی که لازم باشد حتی با نیروی مسلحانه علیه طبقات استثمارگر و دولت‌های آنها مبارزه می‌کند».

ایجاد «فدراسیون آزاد ملت‌ها در سوسیالیسم بدون یک مبارزه کوتاه یا طولانی مدت‌تر و سرسخت جمهوری‌های سوسیالیستی علیه ایالت‌های عقب‌افتاده غیرممکن‌ست.» (ولادیمیر ایلیچ لنین، مجموعه آثار، چاپ روسی، جلد هیجدهم، ص. ۲۳۲-۳).

تروتسکی توسعه ناموزون کشورهای سرمایه‌داری را تحت امپریالیسم انکار می‌کند. او کل تجزیه و تحلیل لنین از امپریالیسم که به عنوان یک گل یکپارچه شکل گرفته است، و باید به ناچار از طریق انقلاب پرولتری در ضعیف‌ترین نقطه آن شکسته شود را انکار می‌کند. تروتسکی فکر می‌کند که تضادهای داخلی و خارجی امپریالیسم به اندازه کافی تشدید نیافته‌اند که بتواند شکست جبهه امپریالیستی را در یک کشور امکان‌پذیر سازد. تروتسکی فکر می‌کند که نیروهای انقلاب پرولتری به اندازه کافی قوی نیستند که قادر باشند جبهه امپریالیستی را در یک کشور شکست دهند، و درست جهت پوشش شکست خود با عبارات انقلابی، ایده انقلاب در یک کشور را بگونه‌ای پیش می‌کشد که توسط انقلاب‌های کشورهای دیگر حمایت شده باشد، اما تروتسکی نمی‌تواند واقعیت را نادیده بگیرد که او به کارگران هر کشوری می‌گوید، «شما نمی‌توانید به تنهایی انقلاب کنید؛ مطمئن باشید که

ای مهربان تر از برگ در بوسه‌های باران

ای مهربان تر از برگ در بوسه‌های باران
بیداری ستاره در چشم جویباران

آیینی نگاهت پیوند صبح و ساحل
لبخند گاه گاهت صبح ستاره باران

بازا که در هوایت خاموشی جنونم
فریادها برانگیخت از سنگ کوه ساران

ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز
کاین گونه فرصت از کف دادند بی‌شماران

گفتی: به روزگاران مهری نشسته گفتم
بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران

بیگانگی ز حد رفت ای آشنا مهریز
زین عاشق پشیمان سرخیل شرمساران

پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند
دیوار زندگی را زین گونه یادگاران

وین نغمه‌ی محبت بعد از من و تو ماند
تا در زمانه باقی ست آواز باد و باران
اثر شفيعی کدکنی



بخودی خود بی نهایت ناموزون است. سطح سرمایه‌داری انگلستان، اتریش، آلمان یا فرانسه یکسان نیست. اما در مقایسه با آفریقا یا آسیا تمام این کشورها نماینده سرمایه‌داری «اروپاست»، که برای انقلاب اجتماعی رشد کرده است. و به منظور اجتناب از جایگزینی ایده انفعال بین‌الملل انتظار جهت ایده اقدام بین‌الملل همزمان، هیچ کشوری در مبارزه خود نباید «منتظر» دیگران بماند، چرا که ایده ابتدایی مفید است و نیاز به تکرار دارد. بدون منتظر شدن برای دیگران، ما مبارزه خودمان را در خاک ملی خود شروع و ادامه می‌دهیم و کاملاً مطمئن هستیم که ابتکار عمل ما انگیزه‌ای برای مبارزه در دیگر کشورها می‌شود؛ اما اگر این اتفاق نیافتاد، سپس این ناامید کننده است، در پرتو تجربه تاریخی و در پرتو ملاحظات تئوریک، فکر می‌کنم، برای مثال، که یک روسیه انقلابی بتواند خودش را در مواجهه با اروپای محافظه کار نگه دارد و یا آن که یک آلمان سوسیالیستی بتواند در جهان سرمایه‌داری منشعب شده باقی بماند.» (لئون تروتسکی، مجموعه آثار، چاپ روسیه، جلد سوم، بخش اول، ص. ۹۰-۸۹).

از ویژگی‌های تروتسکیسم، چهره
دوگانه و متضاد آن است.

منشویک‌ها، به توسعه ناموزون سرمایه‌داری که توضیح می‌دهد چرا جنبش‌های انقلابی در جایی که زنجیر امپریالیسم در ضعیف‌ترین حلقه خودست، می‌توانند قدرتمندترین باشند، توجهی ندارد - چیزی که در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری ضرورتی ندارد.

پاسخ تروتسکی به تئوری توسعه ناموزون سرمایه‌داری لنین چنین است: او آن را در سال ۱۹۱۷ در رساله خود، برنامه صلح نوشت. تروتسکی آن را دوباره در سال ۱۹۲۴ در مجموعه آثار خود منتشر ساخت، که آشکارا آن را صحیح می‌دانست.

«تنها از ملاحظه تاریخی کم و بیش واقعی که علیه شعار ایالت متحده اروپا طرح شد در [ارگان بلشویکی - تأکید از نویسنده] در سوسیال دمکرات سوئیس در جمله‌ای که می‌آید فرموله شده بود: «توسعه ناموزون اقتصادی و سیاسی یک قانون مطلق سرمایه‌داری است». از این سوسیال دمکراسی نتیجه‌گیری می‌کند که پیروزی سوسیالیسم در یک کشور ممکن است، و آن که، بنابراین، ضرورتی ندارد که ایجاد ایالات متحد اروپا را شرط برقراری دیکتاتوری پرولتاریا در هر کشور جداگانه بدانیم. توسعه سرمایه‌داری در کشورهای مختلف ناموزون است، و یک واقعیت کاملاً بدون مناقشه است. اما این ناموزونی

شیوه تفکر یک خرده بورژوا: یک خرده بورژوا از هر امکانی برای تقویت و سر و سامان دادن مالی خود استفاده میکند. حتی به سادگی و بدون عذاب وجدان از صندوق سازمانی که در آن عضو است تا می‌تواند پول می‌دزدد. چنین خرده بورژوایی همیشه سعی می‌کند در نشست‌ها کنار ریاست جلسه بنشیند و در ریاست سهیم گردد. این خرده بورژوا، انتقاد را با انتقام، لجن پراکنی و اتهام جواب می‌دهد، همان روشی که دولت‌های فاشیستی مثل جمهوری اسلامی و یا اسرائیل و دولت ترامپ و سازمان‌های جاسوسی آن‌ها در مورد اپوزیسیون و مخالفین خود پیش می‌گیرند.

پرولتاریای جهان متحد شوید!

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!

در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!

حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!

تروتسکیسم را از صفوف خود طرد کنیم!

به پیش در سمت ایجاد شوراهای کارگران و تهیدستان!

پیروز باد انقلاب سوسیالیستی

پیروز باد دیکتاتوری پرولتاریا